



دکتر فریدون سیامکنزاد

مقدمه

صبح که از خانه بیرون می‌زنیم تا راهی محل کار شویم، با افراد زیادی برخورد می‌کنیم و روبه‌رو می‌شویم که هر کدام می‌تواند برای انسان خاطره‌انگیز باشد. از برخورد احتمالی با رفتگر زحمتکش محله گرفته تا دیدن کسانی که هر یک به‌دلیلی سر راهمان قرار می‌گیرند و ممکن است اگر قدیمی محل باشیم، سلام و علیکی هم با ما داشته باشند. از وقتی سوار وسیله نقلیه عمومی اعم از اتوبوس، مترو یا تاکسی می‌شویم تا زمانی که آن را ترک می‌کنیم، کسانی را می‌بینیم و حرف‌هایی می‌شنویم که هر کدام آن‌ها می‌تواند خاطره‌ای برایمان باشد، یا خاطره‌ای را از زمان‌های دور برایمان زنده کند. به محل کار هم که می‌رسیم و کار را شروع می‌کنیم، بستگی به نوع کاری که داریم، همه‌اش می‌تواند تداعی‌کننده مسأله یا احياناً خاطره‌ای باشد. حالا اگر کارمان طوری باشد که ارتباط مستقیم با مردم داشته باشیم، به اندازه تفاوت بین انسان‌ها و مردمی که برای کارشان به ما مراجعه می‌کنند، می‌توانیم حرف برای گفتن داشته باشیم و خاطره برای بازگو کردن.

با این صغری و کبری چیدن‌ها می‌رسیم به این که داروخانه از جمله مکان‌هایی است که کار کردن در آن، یک دنیا حرف برای گفتن و یک سینه خاطره برای بازگو کردن دارد.

بنابراین، تصمیم گرفتم تا مسائلی به‌وجود آمده در داروخانه را تحت عنوان «یادداشت‌های داروخانه» قلمی کنم. مطالبی که در پی می‌آید، حاصل این تلاش و نتیجه حضور در داروخانه در برخورد با بیماران و مسائلی جاری داروخانه است. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

مادرش می‌خواهد!

این هم از مزایای بیشتر شدن امید به زندگی در مملکت ما است، شاید هم از معایب آن!

یادداشت ۳

برای این که بیماران مصرف‌کننده داروهای پایین آورنده فشار خون راحت باشند، بعضی از داروها به صورت مخلوط فرموله شده و به شکل همراه با هم وارد بازار دارویی شده است.

با این که ترکیب والسارتان و آملودیپین به همین منظور، یعنی راحتی مصرف‌کنندگان بیمارانی ساخته شده است، ولی باز هم بسیاری از پزشکان اصرار دارند که این دو دارو را جداگانه نسخه کنند. هرچه قدر هم که بیماران برای مصرف مخلوط این دو دارو راهنمایی می‌شوند، ولی به دلیل نسخه پزشک و اصرار وی برای مصرف جداگانه این داروها، بیماران توجهی به راهنمایی داروساز داروخانه ندارند. راحتی مصرف هم ظاهراً نقشی در این توصیه‌ها نداشته و ندارد!

یادداشت ۴

نام ژنریک بعضی داروها طوری است که افراد عادی و غیرمتخصص اکثراً در تلفظ آن اشتباه می‌کنند و عمدتاً هم اشتباه‌شان یکسان است.

مثلاً قرص دی‌سیکلوکسین که یک داروی ضداسپاسم عضلات صاف است. اکثراً توسط بیماران و افراد عادی به صورت دیسکلرکسین خوانده می‌شود و در داروخانه اگر چنین اشتباهی

یادداشت ۱

قرص سرماخوردگی کودکان در ابتدای پیاده شدن طرح ژنریک، جزء داروهایی بود که تولید می‌شد. یک بار هم فرمولاسیون آن تغییر کرد و با فرمول جدید وارد بازار دارویی شد ولی به دلیل عدم استقبال بیماران و جامعه پزشکی، تولید آن متوقف شد و در حال حاضر در بازار دارویی وجود ندارد. دلیل عدم استقبال از قرص سرماخوردگی کودکان، استفاده از شربت سرماخوردگی کودکان و سهولت مصرف آن می‌باشد.

خانمی همراه بچه‌اش به داروخانه مراجعه کرد و درخواست قرص سرماخوردگی کودکان داشت. هرچه برای ایشان توضیح دادم و دلیل عدم وجود آن را در بازار متذکر شدم، قانع نشد و داروخانه را دست خالی ترک نمود.

یادداشت ۲

حدوداً هشتاد سالی داشت و به سختی صحبت می‌کرد که ناشی از کهولت سن بود. از این که کم‌رزد و پادرد دارد و نمی‌تواند به راحتی نماز بخواند، ناراحت بود. عنوان می‌کرد که اگر می‌شد یک مسکن قوی به ایشان بدهم. اول فکر کردم که برای کم‌رزد و پادردش مسکن می‌خواهد. چند سؤال از ایشان کردم تا مسکن کم‌عارضه‌تری تحویل‌شان دهم. در عین این که با خون سردی سوالاتم را پاسخ می‌داد، این پا و آن پا شد که چیزی بگویند.

سؤال کردم دارو را برای خودش می‌خواهد؟
با همان خون‌سردی گفت که دارو را برای

نگیرد و به پزشک مراجعه کند تا به درستی، دارو درمانی شود.

یادداشت ۶

باز هم مطالب بروشور یک دارو، مریض را به داروخانه برای مشورت کشانده است. قضیه از این قرار است که ظاهراً پزشک متخصص اعصاب و روان برای بیماری قرص سیتالوپرام تجویز کرده و بیمار قبل از استفاده از دارو، بروشور دارو را خوانده و مطالب مطرح شده در آن پیرامون عوارض جانبی سیتالوپرام، او را از مصرف دارو بازداشته و برای پرس و جوی بیشتر به داروخانه کشانده تا از دکتر داروساز مشورت بگیرد. این را هم بگویم که خیلی از بیماران به درستی به دکتر داروساز نسبت به داروهای مصرفی‌شان، اعتماد بیشتری از پزشک‌شان دارند.

برای مریض شرح دادم که عوارض یک دارو با خوردن مقدار مصرف صحیح آن به ندرت اتفاق می‌افتد. در خیلی از موارد، اثر درمانی به عوارض دارویی ارجحیت داشته و باید دارو حتماً مصرف شود. خلاصه آن قدر توضیح دادم که بیمار قانع شد و قبول کرد که باید داروی تجویزی پزشک را مصرف کند.

پیش بیاید که می‌آید و زیاد هم می‌آید، تکنیسین داروخانه متوجه شده و مسأله حل می‌شود ولی دیروز کسی به داروخانه مراجعه کرد و تقاضای قرص دیس کلامین داشت. تکنیسین گیج شده بود که مسأله چیست؟ از بیمار سؤال کردم که دارو را برای دل پیچه می‌خواهد؟ پاسخ مثبت بود و به تکنیسین گفتم که قرص دی سیکلومین بدهد.

یادداشت ۵

ساعت ۲/۵ بعد از ظهر یکی از روزهای ماه مبارک رمضان بود. به دلیل زمان مربوطه، کسی در داروخانه حضور نداشت و داروخانه حسایی خلوت بود. خانمی برای سوزش گلو و همچنین سینوزیت مزمن، قرص کوتریموکسازول می‌خواست. سؤال کردم که چه کسی این دارو را توصیه کرده است؟ اظهار داشت که مدتی پیش که به دکتر مراجعه کرده، ایشان داروی فوق را توصیه کرده است. به ایشان گفتم که به احتمال زیاد اشتباه می‌کند، چرا که کوتریموکسازول برای این مواردی که ایشان توصیه می‌کند، کاربرد ندارد. در برابر توضیح من سؤال کرد چه چیزی برای مشکل او خوب است و از من راهنمایی خواست. به ایشان توصیه کردم که خود درمانی را کنار بگذارد و مسأله را سرسری

